

فرجام‌شناسی کیهانی در مکاشفات یهودی دوره بین‌العهدین*

علیرضا ابراهیم**

ebrahim_133@yahoo.com

چکیده

دوران حد فاصل ترجمه هفتادگی تا زمان نگارش عهد جدید، به دوره بین‌العهدین موسوم است. این دوره به سبب هم‌جواری یهودیان با اقوام دیگر، موجد ادبیات بسیار پربراری بود که گونه‌های ادبی متنوعی را در خود داشت. از جمله می‌توان گونه ادبی مکاشفه را نام برد که به دلایلی همچون تاثیر اندیشه‌های ایرانی بر یهود، قوت فراوان گرفت. آزارهایی که یونانیان و رومیان بر این قوم روا داشتند، فرجام‌شناسی نوینی را در مکاشفات بین‌العهدین بنیان نهاد که هم در راستای تکمیل آموزه‌های عهد عتیق بود و هم دردهای تاریخی این قوم را مرهم می‌نهاد. ساختار این فرجام‌شناسی بر جبری تاریخی استوار بود که فسادهای موجود در جامعه انسانی را موجب فساد و کاستی در امور کیهانی می‌دانست و آن دو را زمینه ظهور مسیحا و اصلاحات او به شمار می‌آورد. فرجام‌شناسی مکاشفات با ارائه نگاهی فراتاریخی به رخدادهای آخرالزمان، دیدگاه‌های تاریخی فرجام‌شناسی عهد عتیق را به کلی دگرگون کرد، زیرا از دیدگاه مکاشفه‌گران دوره بین‌العهدین، عالم آخرت، به موازات همین عالم ماده در جریان بود و اورشلیم آسمانی که نماد ملکوت الهی به شمار می‌رفت، می‌توانست هر لحظه در قلب‌های آدمیان بر پا شود و محل استقرار خداوند باشد.

کلید واژه‌ها

فرجام‌شناسی، آخرت‌شناسی یهودی، مکاشفات، بین‌العهدین، آخرالزمان، مسیحا.

* این مقاله بخشی از رساله دکتری نگارنده است که با عنوان «بررسی تطبیقی فرجام‌شناسی در مکاشفات بین‌العهدین و متون شیعه اثنی عشری» و به راهنمایی دکتر فتح‌الله مجتبابی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران تدوین و دفاع شده است.

** دانش‌آموخته دکتری ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

فرجام‌شناسی

فرجام‌شناسی یا آخرت‌شناسی، برابر نهاده واژه انگلیسی eschatology است. این کلمه از واژه یونانی *Εσχατος*، به معنای پایان و انتها، اقتباس شده است.^۱ از این رو، eschatology را می‌توان علم بررسی و شناخت امور پایانی یا همان فرجام‌شناسی دانست. این علم دارای دو شاخه عمده است، نخست فرجام‌شناسی فردی، که به اموری همچون مرگ و عوالم پس از آن، رستاخیز آدمیان، داوری و حسابرسی اعمال، اوصاف بهشت و دوزخ و سرنوشت نهایی انسان می‌پردازد، و دیگر فرجام‌شناسی کیهانی که اموری چون نشانه‌های پایان جهان، ظهور منجی، مجازات ستمکاران و آغاز دوران جدید را در بر می‌گیرد.^۲ در این بررسی تنها فرجام‌شناسی کیهانی مورد توجه است، هر چند که شماری از سرفصل‌های آن، از جمله رستاخیز و داوری اعمال با فرجام‌شناسی فردی همپوشانی دارد.

مکاشفات

مکاشفه نوعی تجربه عرفانی و معنوی است که بر پایه شهود قرار دارد. حالت مکاشفه در خواب یا خلسه به انسان دست می‌دهد^۳ و معمولاً با حالاتی همچون حیرت، هراس، شنیدن صداها و القانات غیبی، دیدن برخی مناظر نمادین، سخت شدن بدن، بیهوشی، و میل به سبکی و پرواز همراه است.^۴ شماری از کسانی که این تجارب را از سر گذرانده بودند، بر آن شدند تا مشاهدات خویش را مکتوب سازند. نوشته‌های ایشان گونه‌ای ادبی و ویژه‌ای را شکل داد که به همین سبب با نام مکاشفه یا آپوکالیپس^۵ شهرت یافت. در میان متون یهودی نیز مکاشفاتی وجود دارد که اغلب آنها به انبیاء و بزرگان دینی منسوب است. البته درستی این انتساب چندان مشخص نیست و مقایسه این متون با سایر نوشته‌های انبیاء نشان می‌دهد

1. Liddel, Hery & Scott, Robert, *Greek- English Lexicon*, Oxford, 1976, p. 700.
2. Werbolowsky, R. Z., "Eschatology", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.5, p.151.
3. Smith, Margaret, *An Introduction to Mysticism*, London, Sheldon press, 1977, p. 14.
4. Cohn, , Norman, *Cosmos, Chaos and the World to Come, The Ancient Roots of Apocalyptic Faith*, Yale University press, 1993, p. 164.
5. Apocalypse

که نویسنده آنها فرد یا افرادی غیر از آن است که ادعا می‌شود.^۱ مجعول بودن نام نویسنده اصلی این متون سبب شد تا آنها را به اسم سوداپیگرافا^۲ بشناسند، یعنی کتابهایی که به نادرستی منسوب شده و یا مجعول‌العنوان هستند. شمار فراوانی از آثاری این‌چنین، که به ویژه از دوره هلنی برجای مانده، نشان می‌دهد که روزگاری این گونه نام گذاری‌ها متداول بوده است.^۳ البته از نظر تاریخی این وجه انتساب جعلی، دو پیامد مهم داشت. نخست این که اعتماد عالمان دینی را کاهش داد و سبب شد تا این مکاشفات در شمار متون پذیرفته شده قرار نگیرند و دیگر آن که در میان عامه مردم، اندک اعتباری به آنها بخشید تا دست‌کم به عنوان اسنادی تاریخی ماندگار شوند. در تقسیم بندی گونه‌شناسانه متون دینی یهودی، متون مکاشفات در زیرمجموعه گسترده‌تری به نام متون آپوکریفا^۴ قرار دارند. آپوکریفا واژه‌ای یونانی به معنای پنهان است^۵ و به طیفی از متون دینی یهودی گفته می‌شود که در توصیف و توسعه مضامین کتاب مقدس نگاشته شده‌اند. هریک از این متون، زمانی در شماری از فرقه‌ها و مجامع دینی مورد پذیرش بودند و مبنای اعتقادی و مناسک آنها را تشکیل می‌دادند، ولی در هنگام تعیین متون پذیرفته شده رسمی، در زمره کتابهای قانونی قرار نگرفتند^۶ (تنها رساله مکاشفه‌ای که در مجموعه رسمی عهد عتیق مورد پذیرش قرار گرفت، کتاب دانیال بود). از دیدگاه کمی، هم اکنون بیش از ده‌ها رساله آپوکریفا و سوداپیگرافا به دست آمده که نماینده رشد و گسترش نهادهای غیر رسمی در میان یهودیان است. وجود برخی ناهمگونی‌ها در مطالب این متون که گاه در تعارض با آموزه‌های رسمی تورات ارزیابی می‌شد، سبب شد تا آنها جنبه‌ای پنهان و غیر رسمی بیابند. افزون بر این، در شماری از همین متون توصیه شده که آنها را از چشم عامه مردم به دور دارند و تنها بر خواص عرضه کنند.^۷ آشکار است که رسمیت نداشتن این متون به هیچ عنوان نشانه

1. Pati, Raphael, *The Jewish Mind*, New York, Charles Scribner's Sons, 1977, p. 79.
2. Pseudepigrapha
3. Cohn, p. 164; Fi, D., "Biblical Literature", *New Encyclopedia Britanica*, vol. 14, p. 806.; Collins, John J., "Apocalypse", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987,, p. 334.
4. Apocrypha
5. Liddle & Scott, p.111.
6. Lapham, F., *An Introduction to the New Testament Apocrypha*, T&T Clark, London, 2003. p.3
7. Lapham, F., p. 4.

بی‌استفاده بودن آنها نیست. به ویژه کشفیات مختلف در بحرال‌میت نشان داد که برخی فرقه‌های یهودی به این متون اهمیت فراوان می‌دادند.

درونمایه اصلی مکاشفات عبارتند از: بازگویی تاریخ دوره‌ای خاص و یا شرح اوضاع سیاسی و اجتماعی یک قوم یا گروه، توصیف سرنوشت شماری از انسانها، اوصاف طبقات مختلف کیهان و دیدار موجودات و عوالم گوناگون.^۱ این درونمایه معمولاً در دو قالب بیان می‌شود. قالب نخست، داستان مکاشفاتی است که جنبه نمادین، تاریخی و رمزی دارند که اغلب فرشته‌ای آن را تفسیر می‌کند (همچون مشاهده فلزات مختلف در «مکاشفه دانیال» که در آن هر فلز نماد یک دوره تاریخی است). قالب دیگر، گزارش مکاشفاتی است که جنبه مستقیم، نزدیک و بی‌واسطه دارند و معمولاً با عبارت «من دیدم» آغاز می‌شوند (همچون سفر اخنوخ به آسمان‌های مختلف و دیدن جایگاه بهشتیان و دوزخیان).^۲ گاهی اوقات هریک از این دو قالب دارای زیرمجموعه‌هایی نیز هستند. برای نمونه، در ذیل مکاشفات نمادین، گونه‌ای به نام مکاشفه حیوانات^۳ وجود دارد که در آن هر قوم را به حیوانی تشبیه می‌کنند (از جمله اسرائیل را به گوسفند و دشمنان آن را به حیوانات وحشی تشبیه می‌نمایند).^۴ این جنبه‌های نمادین مکاشفات سبب شد تا عامه مردم اشتیاق فراوانی به شنیدن و مطالعه آنها داشته باشند.^۵ البته باید توجه داشت که از دیدگاه زمانی، مکاشفات لزوماً به دیدن رویدادهای حال و آینده منحصر نمی‌شود، بلکه گاه زمان گذشته را نیز در بر می‌گیرد.^۶

پیشینه تجارب مکاشفه‌آمیز به شمنهای دوران باستان باز می‌گردد. از آن پس در آثار فلاسفه قبل از سقراط هم مشاهده می‌شود.^۷ اودیسه هومر و جمهوری افلاطون نیز در این زمینه دستمایه‌هایی دارند، اما باید توجه داشت که اندیشه‌های ایرانی، مقدم بر اینهاست، زیرا

1. Collins, J. J., vol. 2, Pp.334-335.

2. Ibid, p. 334; Yarbro, Adela, *Cosmology and Eschatology in Jewish and Christian Apocalypticism*, New York, Brill, 1996, Pp.11-12.

3. Animal Apocalypse

4. Cohn, N., p.186.

5. Siegman, E. F., "Apocalypse, Book of", *New Catholic Encyclopedia*, London, Thomson Pub., 2002, vol. 1, p.658.

6. Yarbro, A., p.15.

7. Idem, p.12.

نمونه‌های بسیار برجسته‌ای از مکاشفات را می‌توان در *گائاهای* زرتشت مشاهده نمود که داستان همپرسگی او و اهورامزدا را روایت می‌کند.^۱ امروزه تقریباً اطمینان داریم که متون مکاشفات ایرانی، هم در دوره اسارت بابلی و هم در دوره هلنی (با ترجمه مستقیم آنها به یونانی) زمینه‌ساز مکاشفات یهودی بودند، ولی متاسفانه دشواری‌های تاریخ‌گذاری سبب شد تا اصالت و تقدم گونه ادبی مکاشفه در ایران نادیده انگاشته شود.^۲

نخستین بارقه مکاشفات یهودی را باید در برخی اشارات مختصر عهد عتیق به کشف و شهود انبیاء بنی اسرائیل جستجو کرد که سابقه آن به سده ۶ ق.م می‌رسد.^۳ برپایه یافته‌های موجود، مدت‌ها طول کشید تا اولین متن‌های مستقل مکاشفات یهودی در سده ۳ ق.م تالیف شوند. هر چند که به نظر می‌رسد که متن اصلی آنها به زبان عبری بوده است، اما پراکندگی یهودیان در محیط‌هایی غیر از اورشلیم سبب شد تا متون مکاشفاتی بر جای مانده به زبان‌هایی چون اتیوپیایی، یونانی و آرامی نیز در دسترس باشند.^۴ دلایل گوناگونی را برای شکل‌گیری مکاشفات در میان یهودیان ذکر کرده‌اند. نخست این که پس از گسسته شدن جریان نبوت در یهود، عده‌ای بر آن شدند تا با نوشتن مکاشفات خلاء نبوت را پرکنند و با تشریح متون انبیاء، در برابر بت‌پرستی یونانیان و رومیان موضع‌گیری نمایند.^۵ دلیل دوم این که شماری از علمای دینی برای تقویت قوم یهود در مقابل آزارهای یونانیان دست به تالیف بردند و با نوشتن مکاشفات، وعده پیروزی و رهایی را سر دادند.^۶ دلیل سوم این که بخش مهمی از مکاشفات را امور فرجام‌شناسانه تشکیل می‌دهند، و از این رو، شکل‌گیری مکاشفات یهودی، در حقیقت پاسخ دادن به تردیدهایی بود که در نوشته‌های ادبیات حکمتی (همچون کتاب ایوب) درباره امور اخروی یافت می‌شد.^۷ دلیل چهارم این که،

۱. یسنا، ۶:۳۳، ۶:۴۷:۳.

2. Collins, "Apocalypse", p. 335.

3. Idem.

4. Charlesworth, J. H., "Biblical Literature", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1986, vol. 2, Pp.177, 181; Roth, C., *A History of the Jews*, USA, American Hebrew Congregations, 1971, p. 91.

5. Flusser, D., "Apocalypse", *Encyclopaedia Judaica*, Jerusalem, Keter Pub., 1996, vol. 2, p. 256; Fi, D., p. 806.

6. "Apocalyptic Literature", *Encyclopedia Britannica*, vol. 1, p. 482.

7. Zeitlin, Irving M., *Jesus and the Judaism of his Time*, Polity press, 1988, p. 163.

رویکردهای عرفانی در یهود به قوت و بلوغی رسیده بود که بتواند تولیدات فکری خود را در کنار متون رسمی و شرعی، در قالب مکاشفات عرضه بدارد.^۱ اما به نظر نگارنده، افزون بر همه این‌ها، دلیل مهم شکل‌گیری و رونق مکاشفات در میان یهودیان، کمبود آموزه‌های فرجام‌شناسانه در عهد عتیق بود. این کمبود در هنگام تماس یهودیان با اقوام ایرانی که دارای فرجام‌شناسی منسجم و سامانمندی بودند، بسیار برجسته نمود و یهودیان برای جبران این امر، و البته پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در این زمینه داشتند، بذره‌های فرجام‌شناسانه نوشته‌های انبیاء خود را در زمینه‌ای عرفانی و مکاشفه‌آمیز پرورش دادند و گاه با افزودن عناصری از فرهنگ‌های میزبان (نخست ایرانی، و سپس یونانی و رومی) گونه ادبی مکاشفه را شکل بخشیدند.

مکاشفات یهودی آثار مهمی را در تاریخ یهود برجای گذاشت. نخست این که با معنابخشی به زندگی و امید دادن به قوم یهود، ایشان را در تحمل رنج‌های دروران هلنی و رومی‌باری رساند.^۲ دیگر این که یهودیت ربّانی نیز در تالیف تلمود از این آثار بهره‌گرفت و تحت تأثیر حجم زیاد و قابل توجه مکاشفات، بخش‌هایی از *میشنا* و تفاسیر *تورات* را به اثبات رستاخیز، و طرح اندیشه‌های مسیحایی اختصاص داد.^۳ تأثیر دیگر این که درک و فهم متون مقدس عبری، به یاری متون مکاشفات آسان‌تر شد، زیرا مکاشفات در ظاهر، بسط و گسترش داستان‌های انبیاء بودند و چنان که ادعا می‌شد، همچون سایر کتب مقدس، محصول الهامات الهی تلقی می‌شدند.^۴ افزون بر این، مکاشفات عرصه‌های نوینی را در تجربه دینی گشود که بر پایه کشف و شهود قرار داشت و از این رو، در جهت‌دهی به جریان‌های عرفان یهودی (همچون مرکبه) که پس از این دوره پدید آمدند، موثر بود.^۵ برخی بر این باوراند که تأثیر مکاشفات تا کتاب *زهر*^۶ نیز رسیده است، به گونه‌ای که فهم قبلا و

1. Flusser, D., p. 257.

2. Bousset, W., "Apocalyptic Literature, Jewish," *The New Schaff-Herzog Encyclopedia of Religious Knowledge*, S. M. Jackson (ed.), Baker Book House, vol. 1, p. 209.

3. Grounwald, I., "Jewish Apocalypticism to the Rabbanic Period", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 1, p. 338; Hertzberg, A., *Judaism*, New York, 1963, p. 206; Flusser, D., p. 258.

4. Grounwald, I., p. 336.

5. Grounwald, I., p. 337; Yarbrow, A., p. 13.

6. *Zohar*

حسیدیم جدید به مطالعه مکاشفات نیازمندیم.^۱ نکته آخر هم این که مکاشفات یهودی تاثیر زیادی بر نویسندگان عهد جدید برجای گذاشت، چندان که مشابهت‌های فراوانی را می‌توان میان عبارات و مضامین آن دو مشاهده نمود.^۲ گرچه همواره این پرسش باقی می‌ماند که متون مکاشفات را چه کسانی، در کجا و دقیقاً به چه منظوری نوشته‌اند، اما این آثار بی‌تردید فهم سنتی ما از کتاب مقدس را با چالش‌های تازه‌ای روبرو می‌سازد. جدیدترین فهرستی که از متون مکاشفات یهودی ارائه شده بدین شرح است:^۳ رساله اول اخنوخ (اخنوخ اتیوپیایی)، رساله دوم اخنوخ (اسرار اخنوخ یا اخنوخ اسلاوی)، رساله سوم اخنوخ، رسائل سیبیلین، آپوکریفای حزقیال، رساله چهارم عزرا، مکاشفه زفانیا، مکاشفه عزرا، پرسش عزرا، شهود عزرا، مکاشفه سدراک، رساله دوم باروخ (مکاشفه باروخ سریانی)، رساله سوم باروخ (مکاشفه باروخ یونانی)، مکاشفه ابراهیم، مکاشفه آدم، مکاشفه الیاس، مکاشفه دانیال.^۴

دوره بین‌العهدین

فاصله زمانی میان تدوین آخرین کتاب‌های عهد عتیق (احتمالاً دانیال در اواخر سده ۲ ق.م) تا قبل از تدوین عهد جدید (اواخر سده ۱م) را دوره بین‌العهدین می‌گویند.^۵ یکی از ویژگی‌های مهم این دوره، پدید آمدن مجموعه عظیمی از نوشته‌های یهودی است که به طور کلی به نام ادبیات بین‌العهدین شناخته می‌شود. بخش دینی این ادبیات را همان آپوکریفها و سوداپیگرافا تشکیل می‌دهند.^۶ دوران اوج ادبیات مکاشفه‌ای یهودی نیز تقریباً با دوره بین‌العهدین (یعنی در فاصله ۲۰۰ ق.م تا ۱۰۰م) مقارن است.^۷ این دوره از نظر

1. Flusser, D., p. 258.

2. *The Apocrypha and Pseudepigrapha of The Old Testament*, R. H. Charles (ed. & trans.), vol. 2, p. 180 ff.

3. Charlesworth, J. H., p. 180.

4. 1 Enoch, 2 Enoch, 3 Enoch, Sibylline Books, Apocrypha of Ezqial, 4 Ezra, Apocalypse of Zephaniah, Apocalypse of Ezra, Question of Ezra, Vision of Ezra, Apocalypse of Sedrak, 2 Baroch, 3 Baroch, Apocalypse of Abraham, Apocalypse of Adam, Apocalypse of Elijah, Apocalypse of Daniel.

5. Hartman, Louis F., "Eschatology", *Encyclopaedia Judaica*, Jerusalem, Keter Pub., 1996, vol. 6, p. 496.

6. Fi, D., p. 805.

7. Mansoor, Menahem, *The Dead Sea Scrolls: A College Textbook and a Study Guide*, Michigan, 1964, p. 206.

دانش فرجام‌شناسی بسیار پر بار بود و بیشتر متون مکاشفاتی که در آن نوشته شدند، دستمایه‌های فرجام‌شناسانه داشتند.^۱ محدوده زمانی مزبور، تقریباً با آغاز دوره هلنی (ح ۱۸۷ ق.م) شروع می‌شود، بخشی از دوره تسلط رومی‌ها را در بر می‌گیرد و مدتی از سنت مسیحی را نیز پوشش می‌دهد.^۲ از این رو، دوره بین‌العهدین را باید جایگاه و دوره زمانی تلاقی چندین فرهنگ به شمار آورد. البته همین امر سبب شد تا تشخیص دقیق یهودی یا مسیحی بودن شماری از مکاشفات امری دشوار و حتی ناممکن باشد، به گونه‌ای که برخی یک متن را در شمار مکاشفات یهودی، و برخی دیگر همان متن را مکاشفه‌ای مسیحی می‌دانند. نکته دیگر این که تاریخ‌گذاری بیشتر مکاشفات یهودی و مسیحی بسیار دشوار است و گاه همه محققان در مورد مکاشفه‌ای بودن برخی از آنها اختلاف دارند. لذا شاید متنی از نگاه یک محقق در شمار مکاشفات باشد و دیگری آن را مکاشفه‌ای نداند.

فرجام‌شناسی کیهانی

۱. مسیحا

واژه مسیحا (در قالب کلمه عبری ماشیح) ۳۸ مرتبه در کتاب مقدس عبری به کار رفته است، که در مجموع به ۶ معنای مختلف اشاره دارد. از جمله برای مشخص نمودن رهبری که در آینده خواهد آمد و یا پادشاه و کاهن اعظم.^۳ شماری از این موارد نیز به اشخاص تاریخی (همچون کورش) مربوط می‌شوند.^۴ در جمع بندی اشارات عهد عتیق به این واژه، دو دیدگاه اصلی به چشم می‌خورد. نخست آنکه مسیحا برآمده از مناقشات سیاسی و رخداد‌های تاریخی است، و دیدگاه دیگر آنکه مسیحا شخصیتی فراتاریخی و صاحب معجزات و نیروهای کیهانی است.^۵ تا پیش از دوره بین‌العهدین، دیدگاه اول غالب بود و

1. Collins, John J., "From Prophecy to Apocalypticism", *The Continuum History of Apocalypticism*, B. Mc Ginn (ed.), New York, Continuum Pub., 2003, p.65.
2. Mansoor, M., p. 206.
3. Dan., 9:25; As., 1:11; Num., 17:24.
4. As., 28:44; Vanderkam, J. C., "Messianism and Apocalypticism", *The Continuum History of Apocalypticism*, B. Mc Ginn (ed.), New York, Continuum Pub., 2003, p. 113.
5. Hertzberg, A., p. 215.

نگاه‌های تاریخی، برداشت‌های مسیحایی را هم تحت الشعاع خود قرار داده بود، ولی در دوره بین‌العهدین، مکاشفاتی که برآمده از دیدگاه‌های فراتاریخی بودند، مسیحا را نیز با دید فرا تاریخی تفسیر می‌کردند. به هر روی، وجود این دو دیدگاه سبب شد تا دو نوع انتظار مسیحایی در یهودیت دوره بین‌العهدین شکل بگیرد. نخست، مسیحایی دنیوی که او را از خاندان داود و متکفل پادشاهی دنیوی و امور سیاسی می‌دانستند.^۱ وی قرار بود که در پایان جهان بیاید و آرزوهای دنیوی یهود را محقق سازد. دیگری، انتظار برای مسیحایی که پیشوای دینی بود و در آستانه رستاخیز ظهور می‌کرد تا اعمال آدمیان را داوری کند.^۲ البته در شماری از متون هم، عنوان مسیحا به یک نفر اطلاق شده که دارای هر دو شان دینی و سیاسی است.

در مکاشفات یهودی القاب و عناوین گوناگونی برای اشاره به مسیحا وجود دارند که از آن جمله می‌توان به: آن برگزیده،^۳ پادشاه فنا ناپذیر،^۴ سرور روزها،^۵ آن نیکوکار^۶ و پسر انسان^۷ اشاره نمود. البته لقب اخیر در دانیال نیز به صورتی نمادین به کار رفته است.^۸ ولی در دوره بین‌العهدین صورتی حقیقی به خود گرفت.^۹ به نظر می‌رسد که در دوره بین‌العهدین این تصور رایج بوده است که معبد، قوم اسرائیل، کتاب مقدس و البته مسیحا، همگی پیش از خلقت جهان وجود داشته اند و ازلی هستند. به ویژه، در مورد مسیحا گفته می‌شد که او پیش از آفرینش ستارگان و خورشید وجود داشته و بر اریکه الهی نشسته است.^{۱۰} آنچه او باید انجام دهد، از پیش مشخص شده است. البته این امر آشکارا با مفاد کتاب‌های انبیاء مغایرت داشت. در ضمن این تصور نیز وجود داشت که مسیحا زاییده رنج‌های بنی اسرائیل است و هدیه ایست که خداوند برای تحمل این دردها به آنها ارزانی داشته است.^{۱۱} خداوند

1. 1Enoch, 33.

2. 4Ezra, 7:28; Bousset, p. 209.

3. 1Enoch, xlix: 1.

4. Sibylline Books, iii: 46.

5. 1Enoch, xxxviii: 2.

6. Dan., 7: 9.

7. 1Enoch, lxiii: 5

8. 7:13.

9. Hartman, L. F., p. 497.

10. 1Enoch, 46:1-3

11. Fromm, E., *You Should Be as Gods*, USA, Fawcett Pub., 1965, p. 106;

مجتبایی، فتح الله، «آخرالزمان در دین یهود»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران،

او را برگزیده و با حکمتش، تقدس و راستی را به وی الهام نموده است.^۱ شکوه و جلال هرگز از مسیحا دور نمی‌شود،^۲ راستی قائم به اوست و از وی جدا نمی‌گردد. مسیحا افزون بر این که بر همه چیز حاکم است، از ابتدا پنهان بوده و خداوند تنها او را برای برگزیدگان خود آشکار ساخته است.^۳ وی پیش از روز داوری قیام می‌کند، پادشاهان ستمگر را از جایگاهشان به زیر می‌کشد، نیکان و مقدسان را از میان مردم برمی‌گزیند و بر تخت خداوند^۴ می‌نشیند. او پرده از رازها بر می‌دارد و آنچه می‌گوید به حق و حکمت است.^۵

این تصورات برخی را بر آن می‌داشت تا ادعای مسیحایی کنند و از همین رو در دوره بین‌العهدین شاهد چندین مورد از این دعاوی هستیم.^۶ البته اندیشمندان متاخر یهودی چنین ویژگی‌هایی را برای مسیحا قائل نبودند. ابن میمون، مسیحا را فردی می‌دانست که تغییری اساسی در ساختار خلقت و یا شریعت نمی‌دهد، بلکه صرفاً شریعت را آنطور که بوده برپا می‌کند. از این رو نباید انتظار داشت که او چیزی را خلق کند، مرده‌ای را زنده سازد و یا معجزه‌ای بیاورد.^۷

مطلب دیگر این که، اخنوخ در سفر آسمانی خویش مسیحا را ملاقات می‌کند^۸ و این امر نشان می‌دهد که در دوره بین‌العهدین ملاقات با مسیحای ازلی را ممکن می‌دانستند. افزون بر این، داستانی نیز در تلمود آمده که در آن مسیحا زنده است، و الیاس فردی را به دیدار او می‌فرستد. آن فرد در حالی مسیحا را می‌بیند که در کنار دروازه بابل مشغول رسیدگی به امور بینوایان است. از وی می‌پرسد که ای مسیحا تو کی می‌آیی؟ و مسیحا پاسخ می‌گوید: امروز. آن فرد باز می‌گردد و تصور می‌کند که فریفته شده است. اما الیاس به او می‌فهماند که تو منظور مسیحا را نفهمیده‌ای و همان ملاقات تو با او، نوعی ظهور او برای تو بود.^۹

1. Hartman, L. F., "Eschatology", vol. 6, p. 496.

2. 1Enoch, xiviii: 7.

3. 1Enoch, xlix: 2.

4. 1Enoch, lxxi: 15; 1Enoch, lxii: 6-10

5. 1Enoch, li: 1-3.

6. Hartman, L. F., p. 496.

7. Hertzberg, A., p. 218.

8. 1Enoch, xlvi: 1-3.

9. Hertzberg, A., p. 216.

۲. ادوار جهانی

پیشینه دستهبندی زمان به دوره‌های گوناگون را در عهد عتیق می‌توان به کتاب دانیال رسانید که در آن تاریخ یهود به گونه‌ای نمادین به دوره‌های مختلف تقسیم می‌شود.^۱ این امر در سایر مکاشفات بین‌العهدین نیز رواج بسیار یافت^۲ و به نظر می‌رسد که این کار بیشتر برای نشان دادن جایگاه ویژه دوره فرجامین جهان در میان سایر دوره‌ها انجام گرفته است.^۳ اعدادی که برای این دستهبندی استفاده می‌شوند، مقدس به شمار می‌آیند و در سایر متون یهودی نیز مشاهده می‌شوند. از آن جمله می‌توان به ارقام، ۷، ۱۰، ۱۲ و مضرب‌های آنها اشاره نمود.^۴ آغاز و یا پایان هر دوره ای نیز معمولاً با رویداد ویژه ای (همچون خرابی معبد، آوارگی قوم و یا روی کار آمدن حاکمی ظالم) همراه است.

در برخی مکاشفات، جهان دارای دو دوره بزرگ است. دوره نخست، همین دنیای کنونی است که با شر و پلیدی آمیخته است و جنبه ای موقتی دارد. دوره دوم، زمانی است که سعادت و خیر، فراگیر شود. این دوره با آمدن مسیحا آغاز می‌گردد و ابدی خواهد بود.^۵ در رساله چهارم عزرا، عمر جهان به ۱۲ دوره تقسیم می‌شود که ۹/۵ بخش آن طی شده و تنها ۲/۵ بخش دیگر باقی مانده است.^۶ مکاشفه ابراهیم نیز به ۱۲ دوره قائل است که در پایان آن، بی عدالتی و ظلم متوقف می‌شود و از آن پس دوره عدالت و داوری خداوند فرا می‌رسد.^۷

۳. نشانه‌های دوره پایانی جهان

نشانه‌های دوران پایانی جهان را می‌توان به دو دسته انسانی و کیهانی تقسیم نمود. دسته نخست علائمی هستند که در امور فردی، جوامع انسانی و روابط اجتماعی پدیدار می‌شوند و دسته دیگر، رویدادهایی هستند که در کیهان رخ می‌دهند. البته نشانه‌های ظهور مسیحا و علائم رستاخیز اغلب در متون مکاشفات قابل تمایز نیستند و معمولاً دو رویداد مزبور در

1. Dan., 10:20-27.

2. Hartman, L. F., p. 496.

3. Yarbro, A., p.58.

4. Idem., p.123.

5. 2 Baroch, 44:9

6. 14:11.

7. Apocalypse of Abraham, xxix: 14.

امتداد یکدیگر و با علائمی مشابه ذکر می‌شوند. به هر روی، نشانه‌های انسانی دوره پایانی به این قرارند: مردم آرزوی حکمت دارند، ولی به آن نمی‌رسند؛ ایشان دچار هراسی بزرگ می‌شوند، راه حقیقت پنهان می‌گردد و بی‌ایمانی زمین را فرا می‌گیرد؛^۱ مردم ستارگان را می‌پرستند؛^۲ فساد اخلاق تا اندازه ایست که با پسران مشغول می‌شوند^۳ و آزار و اذیت فراوان می‌شود؛^۴ ظلم‌های بسیار، ویرانی شهرها با آتش، نابودی ملت‌ها با طاعون، قحطی و گرسنگی، داستان هر روز انسان‌ها خواهد بود؛^۵ جهان به دست یک بیوه زن اداره می‌شود؛^۶ حکومتی می‌کوشد تا بر همه دنیا مسلط شود، ولی در نهایت از میان می‌رود؛ ایرانیان به بردگی و وحشت گرفتار می‌شوند،^۷ فرات طغیان می‌کند و بابل و فارس را ویران می‌سازد؛ قوم یهود در اطراف شهر خداوند ساکن می‌شوند و دیواری گرد خود می‌کشند.^۸ رومیان بر مصر چیره می‌شوند؛^۹ اهل سوس به یونان می‌ریزند، فرزندان ایتالیا سرزمین‌های بسیاری را متصرف می‌شوند و کارتاژ را به زیر یوغ خود در می‌آورند؛^{۱۰} بر مردان لاتین غضب بسیار خواهد شد، سرزمین رُم ویران می‌شود و مردمانش از پا در می‌آیند؛ بربرها بر یونان حاکم می‌شوند و آنجا را به آتش می‌کشند؛^{۱۱} فردی که بسیاری او را نمی‌شناسند، صدا بر می‌آورد، چندان که همه صدای او را می‌شنوند؛ بچه‌های یکساله حرف می‌زنند؛^{۱۲} پیامبری می‌آید که قوم بنی اسرائیل را آماده می‌سازد و دل‌های آنها را تلطیف می‌کند.^{۱۳}

نشانه‌های کیهانی نیز به موازات نشانه‌های انسانی روی می‌دهند و عبارتند از: روزها کوتاه می‌شود، دانه‌ها در خاک فاسد می‌شوند، بارش باران اندک و حتی متوقف می‌شود،

-
1. 4Ezra, v, 1-3; Hertzberg, L. F., p. 217.
 2. 1Enoch, lxxx: 8.
 3. Sibylline Books, iii: 580, 596.
 4. 1Enoch, xci: 5.
 5. Apocalypse of Abraham, xxx: 3-8.
 6. Sibylline Books, iii: 78.
 7. 4Ezra, xi: 6; Sibylline Books, iv: 87.
 8. Sibylline Books, v: 255; v: 115.
 9. Ibid., iii: 46.
 10. Ibid, iv: 95-114.
 11. Ibid, iii: 56,580, 596.
 12. 4Ezra, v: 1-3.
 13. Hertzberg, L. F., p. 219.

گویی آسمان آن را نگهداشته است؛ ثمرات زمین رو به کاهش می‌روند، محصولات در زمان خودشان نمی‌رویند و درختان از میوه دادن خودداری می‌کنند؛ ستاره‌ای دنباله‌دار از جانب غرب طلوع می‌کند؛^۱ خورشید نابهنگام در شبانگاه می‌درخشد، ماه در روز بر می‌آید، مسیر حرکت ماه تغییر می‌کند و در زمان خودش دیده نمی‌شود، درخشش خورشید بیش از حد معمول خواهد شد و هنگام عصر دوباره طلوع خواهد کرد، بسیاری از ستارگان از مسیر خود تخلف خواهند کرد و در فصلی که باید به چشم نمی‌آیند؛^۲ خون از درخت فرو می‌ریزد و سنگ به صدا در می‌آید؛ دریا ماهیانش را از دست می‌دهد، زمین شکاف برمی‌دارد و آبهای شور به آبهای شیرین راه می‌یابند؛^۳ اندازهٔ باریدن برف کم و زیاد می‌شود، چهارپایان وحشی همنشین انسان‌ها می‌شوند، تندر و صداها بلند آسمانی به گوش می‌رسد؛^۴ شیپوری با صدای بلند نواخته می‌شود و همه می‌شنوند و می‌ترسند، از این صدا چشمه‌سارها باز می‌ایستند.^۵

۴. دشمنان مسیحا

چنین اوضاعی را نیروهای گوناگونی (اعم از انسانی و کیهانی) ایجاد کرده اند که در برابر مسیحا قرار دارند و یکی از اهداف مهم ظهور او نیز مهار و یا نابود کردن این نیروهاست. مهم‌ترین دشمن مسیحا همان شیطان است که در متون مکاشفات از او با عناوین مختلفی همچون بلیار^۶، بلبال، مَسْتَمَه^۷ و ضد مسیح^۸ [دجال] یاد می‌شود. البته به نظر می‌رسد که عنوان اخیر، بیش از آن که نام فرد خاصی باشد، لقبی برای اشاره به صاحبان اندیشهٔ شیطانی بوده است، زیرا به صورت جمع نیز به کار رفته است. از دورهٔ بین‌العهدین به بعد همواره بسیاری کوشیدند تا بنا به شرایط زمان خود مکاشفات را تأویل کنند. از این رو، عنوان «ضد مسیح» را به افراد تاریخی خاص (از برخی پادشاهان ستمگر رومی و یونانی گرفته تا ناپلئون

1. 1Enoch, lxxx: 2-4; Sibylline Books, iii: 335.

2. 1Enoch, lxxx: 5-7; 4Ezra, v: 1-3.

3. 4Ezra, v: 1-3.

4. Apocalypse of Abraham, xxx: 3-8.

5. Ibid., xxx: 3-8; 4Ezra, vi: 7; Sibylline Books, iv: 95-114.

6. Beliar

7. Mastema

8. Antichrist

و هیتلر) نسبت داده اند.^۱ نکته قابل توجه اینجاست که در عهد عتیق، شیطان در برابر یهوه قرار ندارد و مستقل از او نیست، بلکه تنها مخالف اوست،^۲ اما در متون مکاشفه‌ای شیطان تبدیل به نیرویی مستقل می‌شود. شماری بر این باورند که این تصور نیروی پلید مستقل از خداوند، احتمالاً حاصل تأملات دوره بین‌العهدین و متأثر از اندیشه‌های ایرانی است.^۳

به هر روی، دشمن مسیحا در آخرالزمان بر کوه‌ها و دریاها بر می‌آید، به ماه و خورشید می‌رود، مردگان را زنده می‌کند و با این کارها همه مردم حتی دینداران و برگزیدگان را فریب می‌دهد.^۴ در مکاشفه ابراهیم، از فردی از نسل ابراهیم سخن به میان می‌آید که شیطان، مردم را به پرستش او و می‌دارد.^۵ دو قوم یاجوج و ماجوج نیز در شمار دشمنان مسیحا هستند و در همان نخستین روزهای ظهور مسیحا، نبرد سختی میان او و آنها درمی‌گیرد.^۶

۵. نبردهای آخرالزمان

برپایه متون مکاشفات، با رخ نمودن نشانه‌های آخرالزمان مسیحا ظهور می‌کند و می‌کوشد تا شرایط را برای استقرار ملکوت خداوند آماده سازد. درباره محل و زمان ظهور مسیحا مطلبی در مکاشفات به چشم نمی‌خورد و تنها در مکاشفه عزرا آمده است که انسانی از دریا خارج می‌شود و خداوند می‌فرماید که آن انسان را آفریده تا از طریق وی خلقتش را انجام دهد و او را بر مخلوقات حاکم گرداند.^۷ بدیهی است که دشمنان مسیحا می‌کوشند که سد راه وی شوند و به جنگ با او می‌ایستند. مسیحا مردمان را به گونه‌ای مورد خطاب قرار می‌دهد که همه صدای او را می‌شنوند. وی از ایشان تعهد می‌گیرد که بر فرمان خداوند گردن نهند، ولی باز هم گروهی اطاعت نمی‌کنند. او بر کوه صهیون می‌ایستد و فرمان

1. Goff, M., "Antichrist", *Encyclopedia of Millennialism*, R. Aa. Lades (ed.), London, Routledge, 2000, p. 23.
2. Isa., 45:6-7, Job., 1, Zech., 3.
3. Goff, M., p. 21.
4. Sibylline Books, iii: 63-70.
5. Sibylline Books, xxhx, 4.
6. Hertzberg, L. F., p. 219.
7. 4Ezra, xiii: 25.

می‌دهد تا طوفانی آتشین سراسر جهان را فراگیرد.^۱ این زمان، هنگامهٔ انتقام هراسناک خداوند است. نیرویی آتشین از طریق امواجی طغیانگر به زمین می‌رسد و دجال و پیروان او را می‌سوزاند. بت‌های کافران نابود، و معابد آنان با آتشی سهمگین ویران خواهد شد.^۲ سرزمین یاجوج و ماجوج پر از خون ایشان می‌شود.^۳ مسیحا برخی از بدکاران را زنده می‌کند و پس از مجازات، دوباره می‌کشد.^۴ شیطان را به بند می‌کشند و به ظلمت می‌برند تا در روز داوری سوزانده شود.^۵ گناه نیز به دنبال شیطان برای همیشه در تاریکی نابود خواهد شد و سایر بدکاران نزد مسیحا توبه می‌کنند.^۶ همهٔ قومها به سوی کوه صهیون می‌شتابند، قانون الهی از جانب آن صادر می‌شود و همهٔ ملت‌ها بر اساس آن داوری خواهند شد.^۷

۶. دنیای آینده

مسیحا به همراه کسانی که با او هستند، ۴۰۰ سال خواهند زیست.^۸ در این مدت خداوند اورشلیم را از میان می‌برد و اورشلیمی نوین بر جای آن قرار می‌دهد. معبدی بزرگ‌تر و عظیم‌تر که همهٔ اقوام به آن روی می‌آورند. به نظر می‌رسد که این معبد جدید، نمادی از برقراری ملکوت خداوند باشد، زیرا یهوه (یا تجلی او) در این دنیای جدید حضور خواهد داشت و نور بی‌پایان آن خواهد بود. او در آنجا حکومت می‌کند و همهٔ مردمان را می‌پذیرد.^۹ افزون بر این، اورشلیم نوین یاد آور اورشلیم داود است که خداوند قلب و چشم خود را در معبد آن قرار داده بود.^{۱۰} برگزیدگان و نیکوکاران، زمین را به ارث می‌برند و همهٔ آن در اختیار ایشان خواهد بود تا به هرکجا که بخواهند، بروند.^{۱۱} آن برگزیده، همهٔ ذخایر و

1. Ibid, xiii: 32; Sibylline Books, iii: 652-6.

2. Sibylline Books, iii: 70-74.

3. Ibid, iii: 319-22.

4. 4Ezra, xii: 32.

5. 1Enoch, x: 4.

6. 1Enoch, lxiii: 1-4, xcii: 2-5.

7. Hertzberg, p. 215.

8. 4Ezra, vii: 26.

9. Is., 24:23, 2:2, 4:2, 40:3, 60:19; Cohn, N., p. 187.

10. Selman, Martin J., "Jerusalem in Chronicles", *Zion, City of Our God*, Richard H. Hess (ed.), Pp. 48-50.

11. 1Enoch, v: 7, xcvi: 2; 4Ezra, vii: 17.

بهترین ثمرات زمین را در دست می‌گیرد و آنها را در اختیار نیکان قرار می‌دهد.^۱ زمین پر از گیاه می‌شود و درختان گوناگون در آن می‌روید. هر دانه‌ای هزار دانه می‌دهد. محیط از ناپاکی‌ها پیراسته می‌شود، همه راستگو می‌شوند و هر گونه عذاب و رنجی از میان برداشته می‌شود. دیگر هیچ آهنی برای جنگ یافت نمی‌شود. چنان صلحی می‌شود که گوسفند و گرگ در کنار هم زندگی می‌کنند.^۲

نیکوکارانی که یهودی نبوده‌اند و یا کسانی که توبه کرده‌اند و نور مسیحا را پذیرفته‌اند، در قوم اسرائیل جمع می‌آیند و به روشنی می‌رسند.^۳ البته بنا بر شماری از متون، سرنوشت غیر یهودیان نابودی است. معرفت پروردگار همچون آبی که دریا را فراگرفته است، ساکنان زمین را در بر می‌گیرد.^۴ همه یهودیان حکمایی بزرگ می‌شوند و امور پنهان را می‌دانند. آنها به هر دانشی که خالق ایشان در نظر داشته باشد، نائل می‌شوند.^۵ خورشید و ماه در خدمت انسان خواهند بود. همه زمینیان به ستایش و نیایش خداوند مشغول خواهند بود.^۶ سراسر اهل زمین، قانونی مشترک خواهند داشت و راستی تنها ثروت ایشان خواهد بود. مردم دوباره ثروتمند و قدرتمند می‌شوند، زمین ثمرات خود را می‌افزاید، دریا مملو از برکات می‌شود و سرانجام (پس از ۴۰۰ سال)، داوری خداوند آغاز می‌شود.^۷

۷. رستاخیز

همراه با پایان دوره مسیحا، روز خداوند فرا می‌رسد.^۸ این روز را به نام روز جزا^۹ نیز می‌شناسند. این مفهوم در کتاب‌های عهد عتیق به معنای روز انتقام خداوند از گنهکاران و کافران است که در همین جهان تحقق می‌یابد. اما پس از اسارت، این معنا گسترده تر شد،

-
1. Sibylline Books, iii: 746.
 2. 1Enoch, x; 18-22, lii: 6; Sibylline Books, iii: 757-795.
 3. 1Enoch, 48:4-5.
 4. Ass., Mos., 10; Hertzberg, L. F., p. 220.
 5. Idem, p. 220.
 6. Sibylline Books, iii: 714, 746; 1Enoch, xiviii.
 7. Sibylline Books, iii: 757-795; iii: 657-680.
 8. Hartman, p.496.
 9. Yaum ha Din

به یک تحول بزرگ آخرالزمانی تبدیل گردید و معنایی فرجام‌شناسانه یافت.^۱ به این صورت که پس از درگذشت مسیحا، خلقت متوقف می‌شود و همهٔ انسان‌های باقیمانده می‌میرند. سپس همهٔ جهان به مدت ۷ روز به سکوت نخستین باز می‌گردد. از آن پس، دوره ای جدید آغاز می‌شود. خداوند آسمان را در هم می‌پیچد، همچون کتابی جمع می‌کند و ستارگان را به دریا فرو می‌ریزد.^۲ آسمان از میان می‌رود و آسمانی جدید ظاهر می‌شود که نوری همیشگی و بی‌کران دارد. در آن روز نه ستاره‌ای، نه ماه و خورشیدی، و نه صبح و شامی در کار نخواهد بود، بلکه تنها نور درخشندهٔ خداوند است که روشنی می‌بخشد. آبهای آسمان رها می‌شوند و همهٔ موجودات زمین را نابود می‌سازند.^۳ سپس آتشی جریان می‌یابد که دریاها را سوزان می‌کند، به گونه ای که همهٔ آب‌های جهان برای مجازات بدکاران به آتش مبدل می‌شوند.^۴ کوهها حرکت می‌کنند و پراکنده و خرد می‌شوند. تپه‌ها همچون بره ای که مشتاق شیر باشد، می‌جهند. قله‌های کوتاه صاف می‌شوند، صخره‌ها روان می‌گردند و کاخ‌ها فرو می‌ریزند. زمین هموار می‌شود و هر چه بر آن است نابود می‌گردد.^۵ همهٔ جهان صدایی مهیب را می‌شنوند، خداوند زمین را می‌سوزاند و همه چیز را به خاک بدل می‌کند. از آن پس خداوند دوباره استخوان‌ها را شکل می‌دهد و مردمان را بار دیگر زنده می‌کند. به فرمان خداوند، زمین آنچه را که در خود دارد آشکار می‌کند و آنچه را که [از جسم انسان‌ها] به امانت گرفته بازپس می‌دهد. دوزخ نیز هرچه را [از روح آدمیان] گرفته بازپس می‌دهد.^۶ یعنی اقامت ارواح در دوزخ (و البته در بهشت) تا زمان رستاخیز ادامه خواهد داشت و از آن پس، برای حساب اعمالشان از بهشت و دوزخ به بیرون فرستاده می‌شوند. در این میان حتی حیوانات نیز به نزد خداوند حاضر می‌شوند. سپس خداوند بر اریکهٔ داوری آشکار می‌شود، جهنم و بهشت پدیدار می‌شوند و داوری آغاز می‌گردد.^۷

۱. مجتبیایی، فتح الله، ص ۱۳۸.

2. Sibylline Books, iii: 78-92; 4Ezra, vii: 26; 1Enoch, xlii: 5, xci:16.

3. 4Ezra, vii: 26; 1Enoch, liv: 7.

4. Sibylline Books, iii: 78-92; 1Enoch, lxvii: 13.

5. Sibylline Books, iii: 685-90; 1Enoch, li: 4, i: 3-7.

6. Sibylline Books, iv: 83-90; 4Ezra, vii: 26; 1Enoch, li: 1-3.

7. Sibylline Books, iii: 680-5; 4Ezra, vii: 26.

۸. داوری

جایگاه داوری خداوند در محل کوه سینا قرار دارد^۱ و از این رو، همه را به این مکان سوق می‌دهند تا مورد داوری قرار گیرند. خداوند در امر داوری کسان دیگری را هم به کار می‌گیرد، از جمله، آن برگزیده (مسیحا) نیز بر تخت خداوند می‌نشیند و کار داوری شیاطین و پیروانشان را به نام خداوند به انجام می‌رساند. او اعمال مقدسان را نیز با قرار دادن در ترازو حساب رسی می‌کند.^۲ در این میان، هر موجودی مورد داوری قرار خواهد گرفت. برای نمونه، حتی ستارگانی که از کار خود تخطی کرده اند و به موقع طلوع ننموده‌اند، نیز مجازات می‌شوند.^۳ سرانجام شیاطین و کسانی که به انسان‌ها شرارت آموختند، زندانی و به عذاب ابدی گرفتار می‌شوند. هر موجودی را که گناهکار باشد به قعر جهنم می‌اندازند و نیکوکاران را دوباره در بهشت منزل می‌دهند تا در حیات ابدی و فیض الهی زندگی کنند.^۴

فلسفه فرجام‌شناسی در مکاشفات یهودی

یافتن فلسفه تاریخ از میان نبوت‌های عهد عتیق به مراتب آسان‌تر از یافتن فلسفه تاریخ در متون مکاشفات یهودی است، زیرا مکاشفات نمادی از اندیشه‌های غیر تاریخی اند و می‌کوشند تا خود و بشر را از تاریخ جدا سازند، در حالی که نبوت‌ها بیشتر جنبه تاریخی دارند. در کتاب‌های انبیاء بیشتر سخن از روز آینده^۵ و یا پایان روزها^۶ در میان است، ولی از کتاب دانیال به بعد، از عالم آینده^۷ سخن به میان می‌آید. این عالم آینده، بر جهان یا عالمی درون تاریخ دلالت ندارد، بلکه جهانی ایده آل در بالا و یا فراسو است.^۸ از نظر گاه نبوت‌ها، آخرالزمان درون تاریخ روی می‌دهد و نوعی تحول مقطعی تاریخی است، ولی از نظرگاه مکاشفات، آخرالزمان بیرون از تاریخ روی می‌دهد و اصولاً غیر مادی و متعلق به

1. 1Enoch, i: 4.
2. Fromm, E., p.105.
3. 1Enoch, iv: 3; lxii: 5-7, xviii:15.
4. Sibylline Books, iv: 83-90; 1Enoch, x:14.
5. The Day to Come
6. The End of The Days
7. The World to Come
8. Fromm, p.105.

جهانی دیگر است. به نظر می‌رسد که دوران مجاورت با اندیشه‌های ایرانی، در تقویت جنبه‌های فراتاریخی فرجام‌شناسی یهود موثر بوده و این تاثیر خود را در قالب مکاشفات نشان داده است. پژوهشگران از مجموعهٔ این تاثیرات با عنوان ایرانی‌گرایی^۱ یاد می‌کنند.^۲

این جنبهٔ فراتاریخی مکاشفات در بسیاری از موارد نادیده انگاشته می‌شود. برای نمونه، صاحبان این آثار کوشیده‌اند تا با ارائهٔ الگوهای برای ادوار جهانی، نشان دهند که گزارش‌های فراتاریخی نیز دارای گونه‌ای نظم هستند.^۳ اما برخی دیگر، همان برخوردی که با یک متن تاریخی دارند، در بررسی مکاشفات نیز لحاظ می‌کنند. از جمله بسیاری بر آن شده‌اند تا اعداد و ارقام متون مکاشفات را در قالبی تاریخی ارزیابی کنند و بر پایهٔ آن، تاریخ ویژه‌ای را برای ظهور مسیحا اعلام دارند. آشکار است که همواره پیش‌بینی آنها نادرست از آب درآمده است و مشخص شده که این دیدگاه در تفسیر نمادها بسیار ناکارآمد است.^۴ به سادگی می‌توان از درونمایهٔ متون مکاشفات استنباط نمود که فرجام‌شناسی لزوماً مبتنی بر شناخت اموری که در پایان تاریخ اتفاق می‌افتند نیست، بلکه فرجام‌شناسی مفهومی فراتاریخی نیز دارد. این مفهوم، شناخت اموری را شامل می‌شود که در حال حاضر و در بعد دیگری از هستی (موسوم به عالم آخرت^۵) جریان دارند.^۶ برای نمونه، خداوند ملکوت (یعنی همان بُعد فراتاریخی) را به ابراهیم (یا سایر مکاشفه‌گران) نشان می‌دهد. ابراهیم در مکاشفهٔ خود همزمان هم داستان آدم و حوا و هم آخرالزمان را می‌بیند.^۷ از این رو، مشخص است که مفهوم زمان که شالودهٔ تاریخ به شمار می‌آید، تحت شرایط مکاشفه، مفهوم متعارف و تاریخ ساز خود را از دست می‌دهد. از این رو، در بیشتر مکاشفات بین‌العهدین مفهوم فرجام (آخرت)، به عالمی اشاره می‌کند که به موازات این عالم جریان دارد و فاقد ماده

1. Iranianism

2. Moltmann, J., *Theology of Hope*, James W. Leitch (trans.) New York, 1975, Pp.133-4;

برای مشاهده دلایل تاثیر اندیشه‌های ایرانی بر یهودی نک:

Mojtabāi, F., "The Iranian Background of the Judeo-Christian Concept of Rāz/ Mysterion", *Mīhr-o Dād-o Bahār*, A. K. Bālazādeh (ed.), Tehran, 1998, Pp. 347-348

3. Yarbro, A., p.70.

4. Ibid., p.15.

5. Other World

6. Yarbro, A., p.6.

7. Apocalypse of Abraham, xxiv: 1; xxiv: 2-5.

ومدت [زمان] است و (برپایه مکاشفات) با محقق شدن برخی شرایط، دارای ماده و مدت می‌شود و در همین عالم برپا خواهد شد.^۱

نکته دیگری که در بررسی مکاشفات جلب توجه می‌کند، توحیدی و خدا محور بودن آنهاست، به گونه ای که حتی مسیحا نیز نقش چندان پر رنگی در امور اخروی ندارد و اعمال و اصلاحات او همگی در سیطره اراده الهی صورت می‌گیرد. این سیطره تا اندازه‌ای است که به وضوح می‌توان رگه‌هایی از تقدیرگرایی را در مکاشفات ملاحظه کرد.^۲ با این که در جای جای این متون اذعان می‌شود که انسان دارای اختیار است و شرور و پلیدی‌ها را خودش پدید می‌آورد و آنها ساخته خداوند نیستند، اما گاهی نیز به کتابی اشاره می‌شود که همه رویدادهای عالم در آن ثبت شده است و شمار همه چیز در آن مشخص است.^۳

افزون بر این، به نظر می‌رسد که برای قوم یهود، باید نوعی فرجام‌شناسی قومی را نیز در فاصله میان فرجام‌شناسی فردی و فرجام‌شناسی کیهانی تعریف کرد. زیرا پایان زندگی فرد یهودی، با پایان رنج‌ها و خلاصی از گناهان همراه است. پایان جهان نیز با پایان رنج‌های قوم یهود و خلاصی آنها از تنبیه خداوند همراه خواهد بود.^۴ این تنبیه در جهت احیاء اسرائیل است و گویا خداوند که طراح و پیش‌برنده تاریخ ایشان به شمار می‌آید، در نظر دارد که این قوم را به جرم خطاهایشان از نقطه اقتدار معبد اول خارج نماید و پس از گذشت زمانی نامعلوم، دوباره به نقطه آغازین باز گرداند.^۵ وضعیتی آرمانی که در آن اسباط اسرائیل با آرامش و رفاه در کنار هم می‌زیستند، انبیاء نبوت می‌نمودند، زمام حکومت و دین در دست کسانی چون داود و سلیمان نبی بود، معبد مقدس در اوج اقتدار قرار داشت، اورشلیم خرم و آباد بود و دشمنان آن خوار و زبون بودند. از این رو، شاید بتوان چنین گفت که فرجام‌شناسی یهود به گونه ای شناخت گذشته و آرزوهای مدفون قوم یهود است. نقطه پایان تاریخ برای ایشان تا اندازه ای منطبق بر نقاط اوج گذشته است. البته در این میان،

1. Hartman, L. F., p.497.

2. Ibid., p.496; Moltmann, p. 134.

3. 1Enoch, xcvi: 3; Moltmann, p. 128.

4. Macculloch, J. A., "Eschatology", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburgh, T&T Clark, 1979, vol.5, p. 377.

5. Moltmann, J., Pp.129, 133.

شهر اورشلیم نقش مهمی دارد. این محل از دیرباز در متون یهودی تشخیص داشته و آن را به صورت دختری توصیف می‌کرده اند که خداوند شوهر اوست. همواره گونه ای این‌همانی میان اورشلیم و قوم یهود در کار بوده است و آن را نماد کیهانی قوم به شمار می‌آورده اند و رنج‌های اورشلیم در حقیقت رنج‌های قوم بوده است.^۱

نکته آخر این که برخی نیز با احتراز از نگرش‌های تاریخی، کوشیده اند تا تفسیرهایی روان شناسانه و باطنی از متون مکاشفات ارائه کنند. برای نمونه، در مورد اورشلیم بر این باورند که این شهر بر اثر فساد قوم یهود و ظلم و ستم دشمنان ایشان ویران گردید، اما اورشلیم حقیقی شهر خداست و در روح انسان‌ها برپا می‌شود. با گذشت زمان، فسادی که در حوزه انسانی و فردی روی می‌دهد، موجب بروز فساد در حوزه کیهانی می‌شود. در نقطه اوج فساد انسانی و کیهانی، مسیحای موعود ظهور می‌کند و آن اورشلیم معنوی را بر زمین و در عالم خارج، محقق می‌سازد. البته تا زمان ظهور مسیحا، اورشلیم حقیقی در عالم خارج موجود نخواهد بود بلکه جنبه معنوی دارد.^۲

کتاب‌شناسی

در میان ترجمه‌های موثقی که از متون مکاشفات یهودی انجام گرفته کتاب زیر مفید است:

The Apocrypha and Pseudepigrapha of The Old Testament, R. H. Charles (ed. & trans.), Oxford, 1913.

البته با توجه به یافته‌های ارزشمند سده بیستم، در حال حاضر کتاب زیر بهترین ترجمه موجود است:

The Old Testament Pseudepigrapha, Charlesworth, J. H. (trans.), New York, Double Day & Co., 1983.

منابع

- اوستا، گزارش جلیل دوستخواه، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۰.
- مجتبایی، فتح الله، «آخرالزمان در دین یهود»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۴.

- "Apocalyptic Literature", *Encyclopedia Britannica*, vol. 1.

-
1. Heim, K. M., "The Personification of Jerusalem", *Zion, City of Our God*, Richard S. Hess (ed.), Cambridge, 1999, p. 130.
 2. Philo of Alexandria, *Selected Writings*, Hans Lewy (ed.), New York, Dover Pub., 2004, p. 83.

- Bousset, W., "Apocalyptic Literature, Jewish," *The New Schaff-Herzog Encyclopedia of Religious Knowledge*, S. M. Jackson (ed), Baker Book House.
- Charlesworth, J. H., "Biblical Literature", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1986.
- Cohn, Norman, *Cosmos, Chaos and the World to Come, The Ancient Roots of Apocalyptic Faith*, Yale University press, 1993.
- Collins, John J., "Apocalypse", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1986.
- Idem, "From Prophecy to Apocalypticism", *The Continuum History of Apocalypticism*, B. Mc Ginn (ed.), New York, Continuum Pub., 2003.
- Fi, D., "Biblical Literature", *New Encyclopedia Britannica*, vol. 14,
- Flusser, D., "Apocalypse", *Encyclopaedia Judaica*, F. Skolnik (ed.), Jerusalem, 1971.
- Fromm, E., *You Should Be as Gods*, USA, Fawcett Pub., 1965.
- Goff, M., "Antichrist", *Encyclopedia of Millennialism*, R. A. Lades (ed.), London, Routledge, 2000.
- Grounwald, I., "Jewish Apocalypticism to the Rabbanic Period", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1986.
- Hartman, Louis F., "Eschatology", *Encyclopaedia Judaica*, F. Skolnik (ed.), Jerusalem, 1971.
- Heim, K. M., "The Personification of Jerusalem", *Zion, City of Our God*, Richard S. Hess (ed.), Cambridge, 1999.
- Hertzberg, A., *Judaism*, New York, Washington Squar Press, 1963.
- Lapham, F., *An Introduction to the New Testament Apocrypha*, London, T&T Clark, 2003.
- Liddel, Hery & Scott, Robert, *Greek- English Lexicon*, Oxford, 1976.
- Macculloch, J. A., "Eschatology", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburgh, T&T Clark, 1979.
- Mansoor, Menahem, *The Dead Sea Scrolls: A College Textbook and a Study Guide*, Michigan, 1964.
- Mojtabāi, F., "The Iranian Background of the Judeo-Christian Concept of Rāz/ Mysterion", *Mihr-o Dād-o Bahār*, A. K. Bālazādeh (ed.), Tehran, 1998.
- Moltmann, J., *Theology of Hope*, James W. Leitch (trans.) New York, 1975.
- Pati, Raphael, *The Jewish Mind*, New York, Charles Scribner's Sons, 1977.
- Philo of Alexandria, *Selected Writings*, Hans Lewy (ed.), New York, Dover Pub., 2004.
- Roth, C., *A History of the Jews*, USA, American Hebrew Congregations, 1971.

-
- Selman, Martin J., "Jerusalem in Chronicles", *Zion, City of Our God*, Richard H. Hess (ed.), Cambridge, 1999.
 - Siegman, E. F., "Apocalypse, Book of", *New Catholic Encyclopedia*, London, Thomson Pub., 2002.
 - Smith, Margaret, *An Introduction to Mysticism*, London, Sheldon Press, 1977.
 - Vanderkam, J. C., "Messianism and Apocalypticism", *The Continuum History of Apocalypticism*, B. Mc Ginn (ed.), New York, Continuum Pub, 2003.
 - Werbolowsky, R. Z., "Eschatology", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1986.
 - Yarbro, Adela, *Cosmology and Eschatology in Jewish and Christian Apocalypticism*, New York, Brill, 1996.
 - Zeitlin, Irving M., *Jesus and the Judaism of his Time*, Polity Press, 1988.